

## بیابید (اول می) را به مثابه فریاد دورانساز پرولتاریای سوسیالیست، گرامی داریم!

روز می یا اول می به مثابه روز همبسته گی بین المللی کارگران سراسر جهان، فرا رسیده است. این روز، تنها یادواره و تابناک کارگران مبارز آمریکایی نیست. این روز، فراتر از آن، فعلیت یابی مبارزاتی و نمودی از وجود رزمندگان و طبقه کارگر بین المللی است. این روز، طبقه کارگر را فرا میخواند تا از حالت (در خود) فراتر گام نهاده و به طبقه ای (برای خود) بیش از پیش مبدل گردد! این روز، انترناسیونالیسم پرولتاریایی را در دستور کار جنبش های کارگری قرار داده، و ندای بر حق (بسوی سوسیالیسم) را فریاد می‌کشد.

از ترکیه، یونان، ایتالیا و اسپانیا گرفته تا پیرو و ارجانتین، از مالی، افریقای جنوبی و مصر گرفته تا چین و روسیه، به همین قسم در هند، بنگلادیش، نیپال و فلپین، در همه این کشور ها، این کارگران و طبقات ستمدیده و متحد آنها است که درفش مبارزات داده خواهانه را در اهتزاز نگهداشته اند. کارگران سراسر جهان، با مبارزه و خویشتن این تز صحیح صدر مائوتسه دون را محک زده اند که (شورش بر حق است).

در کشور ما افغانستان، از هر سه نفر، یک تن شان در فقر مطلق بسر میبرند. (بشر، 2010) این است "ارمغان" تجاوز امپریالیست ها! این است "دست آورد" رژیم پوشالی وابسته به اشغالگران امپریالیست!

ثالث دیگر نفوس، خفیفا بالای خط فقر بسر میبرند. (بشر، 2010) این است "گنج باد آورد" دموکراسی و "کمک جامعه جهانی" که مجمع امپریالیست های اشغالگر اند!

به این ترتیب میبینیم که اشغالگران امپریالیست، تا توانسته اند داشته های خلق ها را غارت نموده و توده ها را به سیه روزی و ناداری کشانیده اند.

برای آنکه شاهی ولو مختصر اما تکان دهنده از شیوه های "کمک" رسانی امپریالیست های اشغالگر به افغانستان ارائه دهیم، بیابید به این برهه از گزارش دفتر (ACBAR) توجه کنید. ببینید که این انجوی کارگزار سیاست های امپریالیستی چگونه به روی بادران خویش تف می اندازد:

" از سال 2001 به این سو دونر ها موافقه کردند که 25 میلیارد دالر کمک به خاطر اعمار مجدد و انکشاف افغانستان فراهم خواهند ساخت، ولی صرف 15 میلیارد آنرا عملا پرداختند که از این جمله هم 6 میلیارد آن دوباره به کشور های دونر به قسم فیس مشاورین و مفاد شان برگشته است." (والدمن، مارچ 2008)

در کشوری که بیش از 6 میلیون کودک در آن به کار مزدی مشغول اند، در کشوری که بیش از شانزده میلیون پرولتار آن در شرایطی فاقد هر گونه شاخص های کار شایسته، به شدیدترین وجهی مورد استثمار قرار میگیرد، در کشوری که بیسوادی در آن بیداد میکند، و زنان به حاشیه رانده شده اند، در کشوری که بر مبنای آمار رسمی، حدود چهل درصد نیروی واجد شرایط کار آن، بیکار اند، در کشوری که احزاب و تنظیم های جنایتکار جهادی، در تبنای با "تکنوکرات" های وطن فروش، کمر به مزدوری اشغالگران بسته اند، در کشوری که امپریالیست ها برایش خواب "جلوس" شاه شجاع چهارم را دیده اند، در کشوری که نیرو های مزدور و خود فروخته نظیر "طالبان" و حزب

جنایتکار "اسلامی" گلبدین حکمتیار، به کام امپریالیست ها و باداران پاکستانی و "شیوخ عرب" خویش مسیر مبارزات رهایی بخش را به انحراف کشانیده اند، در کشوری که بوسیله جنگسالاران به بهانه های کثیف تبارگرایی و مذهب محوری پاره پاره شده است، در چنین کشوری، حتی نمی توان نامی از حقوق بشر برد، چه رسد به اینکه رژیم پوشالی دست نشانده اشغالگران امپریالیست را به مثابه "دولت مشروع" شمرد. تنها احزاب سرکاری نظیر حزب همبسته گی افغانستان اند که در تبانی با جهادی ها و بقایای کثیف خادی های "خلقی-پرچی" برای "برادران" و دوستان تکنوکرات خویش گلو پاره میکنند و از دموکراتیزه شدن افغانستان در زیر سرنیزه های اشغالگران یاد میکنند. تنها وطن فروش ترین اشخاص، دم از موجودیت "قانون" و "رژیم مشروع" میزنند. هر افغانستانی وطن پرست و آزادیخواه، نه تنها "انتخابات" قلابی و جلوس شاه شجاع چهارم را به شدت تقبیح و رد میکند، بلکه فعالانه در برابر پروژه های امپریالیستی قد علم میکند. در این راستا، طبقه و کارگر افغانستان، پی گیر ترین و رادیکالترین مبارز راه و دموکراسی بوده و خواهد بود. دموکراسی که طبقه و کارگر از آن یاد میکند، دموکراسی کارگری است، نه دموکراسی بورژوازی. آنچه طبقه و کارگر و به پشتیبانی از وی دهقانان و سایر ستمدیده گان افغانستان خواهان آن خواهند بود، دولت دموکراسی نوین است، نه رژیم پوشالی دست نشانده از قماش دوره و ننگین حاکمیت شاه شجاع ثالث و نه از قبیل دوره عننگین کنونی که داغ "جلوس" شاه شجاع و چهارم بوسیله و خنجر خونریز و مردم اوبار اشغالگران را بر جبین دارد.

اول می 2014 در حالی فرا میرسد که یک روز قبل بر آن در انفجار معدن زغال سنگ در "یک معدن خصوصی" در منطقه و "دهن تور" مربوط ولسوالی دره و صوف ولایت سمنگان، شانزده کارگر جان باختند. این انفجار نه نخستین از این نوع و نه آخرین آن خواهد بود. رژیم پوشالی که قاتل حقیقی این کارگران است، میخواهد بار "ملامتی" را به عهده و مالک این "معدن" بگذارد. حال آنکه مشخص است که این رژیم و طبقه و بورژوا-بروکرات-کمپرادور است که معادن ما را می چابند و دستان شان تا آرنج به خون کارگران آغشته است: کارگرانی که هم از لحاظ اقتصادی مورد استثمار میگیرند و هم از لحاظ فیزیکی قربانیان سودپرستی و خود کامه گی های ددان وحشی است که به مثابه و کارگزاران امپریالیست های اشغالگر، بساط کمپرادوریزم را گسترده اند.



سازمان کارگران افغانستان خون هزاران کارگری را که بوسیله ء جانیان رژیم و اربابان اشغالگر خارجی این رژیم پوشالی ریخته شده است، را هرگز نمی بخشد. ما به قطره قطره خون کارگران سوگند یاد میکنیم که تا واژگون شدن شدن رژیم پوشالی هرگز آنی نخواهیم غنود، بل تا رسیدن به کمونیسم و جامعه ء بی طبقه، آنی آرام نخواهیم نشست. آری! ما نادیان جنگ خلق تا کمونیسم، و سپاهیان و راهیان طغیان خلق تا رستگاری راستین خلق های سراسر جهان ایم.

اول می را گرامی داریم! طبقه ء کارگر را می ستاییم، و رسالت تاریخی اش را که عمل آزادی جهان از یوغ استثمار و استعمار است را با بانگ بلند به گوش سایر طبقات ستمدیده میرسانیم. سازمان کارگران افغانستان همانند گذشته قویا معتقد بل مطمئن است که تنها با راه اندازی جنگ ممتد خلق است که میتوان سه "کوه" امپریالیزم، فئودالیزم و کاپیتالیزم بیروکرات کمپرادور را از میان برداشت. در آنصورت است که با به پیروزی رسیدن انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان تحت رهبری طبقه ء کارگر، کشور ما به استقلال واقعی، خود ارادیت و تکامل سامانمند و انسانی نایل آمده، و توانایی آنرا خواهد یافت که بسوی سوسیالیسم همیشه درخشان رهسپار شود. آنگاه، برادری، برابری و حکومت کارگری، نه شعار و نه "یوتوپیا" بلکه واقعیتهای ملموس و "حال" با افتخار خلق های آزادیخواه و قهرمان ما خواهد بود.

**فرخنده باد اول می، روز همبسته گی بین المللی طبقه ء کارگر**

**بسوی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین، به پیش!**

**مرگ به اشغالگران امپریالیست!**

**نفرین به دم و دستگاه ء پوشالی "شاه شجاع چهارم"!**

**انقلاب زنده باد!**

**سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)**

**اول می، 2014 میلادی**